

چکیده:

وجود صدها تپه و محوطه باستانی منعلق به دوره های فرهنگی گوناگون، در حوزه درون فرهنگی هلیل رود نشانه غنا و سرشاری این حوزه فرهنگی کشور می باشد. یکی از مهم ترین این دوره ها دوره مس و سنگ است زیرا پایه های فرهنگ بزرگ عصر مفرغ منطقه در این دوره شکل گرفته است. هدف از انجام این پژوهش مشخص کردن توالی فرهنگی دوره مس و سنگ و شناسایی عوامل موثر بر استقرارهای این دوره بوده که با توجه به اهداف موجود، پرسش هایی نظیر چگونگی الگوی استقرار محوطه ها، نوع استقرارها، نوع سفال و ... مطرح شد و با توجه به پرسش ها، فرضیاتی مانند اینکه استقرارهای این دوره بیشتر در کنار منابع زیست محیطی قرار دارند و حیات مردمان آن مبتنی بر شیوه کوچ نشینی و پرورش دام بوده، شکل گرفت. برای تحلیل چگونگی پراکنش استقرارها در زیست محیط منطقه از نقشه های GIS استفاده شده و عواملی مانند ارتفاع از سطح دریا، درصد شیب زمین و ... مورد ارزیابی قرار گرفته است. از مجموع ۲۹ محوطه مس و سنگ منطقه قدرودخانه رابر، ۲۱ مورد تک دوره ای و بقیه محوطه ترکیبی از سایر دوره ها داشته است. با توجه به وسعت زیاد استان کرمان سفال محوطه ها تحت تاثیر فرهنگ های درونی مانند تل ابلیس و تپه یحیی می باشند و برخی نمونه ها نیز به احتمال دارای نوعی سبک محلی هستند. سفال های این دوره از نوع ابلیس I و II و نیز یحیی VA و VB و همچنین ابلیس III و IV است. از لحاظ گاه نگاری می توان آنها را در بازه زمانی ۳۸۰۰-۳۳۰۰ ق.م قرار داد که از لحاظ مقایسه با سایر مناطق ایران، برابر با مس و سنگ میانه و جدید است. بیشتر محوطه ها در میانگین ارتفاع ۱۷۰۰ متر و شیب بین ۱۰-۲ درصد قرار گرفته اند. مراتع و منابع آب در کنار عوامل یاد شده بیشترین تاثیر را در ایجاد و نحوه پراکنش محوطه ها داشته اند. با توجه به شواهد موجود زندگی ساکنان منطقه مبتنی بر شیوه کوچ نشینی بوده و از میان ۲۹ محوطه، تنها ۳ محوطه را می توان استقرار دائم به حساب آورد.

واژگان کلیدی: الگوی استقرار، قدرودخانه رابر، کوچ نشینی، مس و سنگ